

اصل توافقی بودن محاکمات کیفری در حقوق ایران

عباس زراعت*

محمود اشرافی**

چکیده

تناظر یکی از اصول بنیادین در هر گونه رسیدگی است. اما مفهوم این اصل در فرایند کیفری - که تفاوت اساسی با دادرسی حقوقی خصوصاً به دلیل وجود تحقیقات مقدماتی و احتمال اتخاذ تصمیماتی در این مرحله بدون استماع اظهارات و بررسی دلایل طرفین امر کیفری دارد - و همچنین حدود و ثغور اجرای این اصل چندان مشخص نیست. از همین رو بررسی چگونگی اعمال این اصل به‌ویژه در رابطه با قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، که در صدد هر چه بیشتر توافقی نمودن فرایند کیفری به مانند دادرسی حقوقی است، لازم می‌باشد. تناظر در دادرسی کیفری یعنی هیچ تصمیمی در دادرسی مگر بعد از استماع اظهارات و بررسی ادله طرفین دعوی (متهم و دادستان) له و علیه یکی از اطراف دعوی عمومی در هیچ کدام از مراحل دادرسی (تعقیب، تحقیق و محاکمه) نباید اخذ گردد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صراحتاً متذکر این اصل نشده، اما تناظر به صورت تلویحی مورد پذیرش قرار گرفته و مهم‌ترین مصادیق رعایت این اصل در قانون مذکور مورد اشاره قرار گرفته است. اما با توجه به وضعیت نابرابر اطراف دعوی عمومی و تأکید اسناد بین‌المللی بر ارتقای وضعیت متهم از طریق اعمال هر چه بیشتر آموزه‌های حقوق بشری از جمله رعایت اصل تناظر در فرایند کیفری در اینجا به مصادیقی مانند صدور قرار عدم دسترسی به پرونده، اختیار حضور دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی و نظارت بر آن، انجام تحقیقات غیرعلنی از شهود و عدم حضور طفل متهم در دادگاه اشاره خواهد شد که ناقض تناظر علیه متهم است.

کلیدواژه‌ها: تساوی سلاح‌ها، دادرسی عادلانه، رسیدگی توافقی، دادرسی کیفری.

Zeraat@kashanu.ac.ir

* عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان

Mahmood.ashrafy@yahoo.com (نویسنده مسئول) ** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۰۵

مقدمه

اصل تناظر به عنوان یکی از قدیمی‌ترین قواعد دادرسی از دیرباز مورد توجه دست‌اندرکاران فرایند دادرسی بوده است؛ به گونه‌ای که این اصل در حقوق لاتین، در حقوق اسلام و در حقوق ایران پیش از اسلام، به عنوان نمونه‌های قدیمی از نظام‌های حقوقی ضابطه‌مند، رعایت می‌شده است. با این حال به‌ویژه در فرایند کیفری از یک سو به دلیل نابرابری تاریخی طرفین اصیل دعوی عمومی، یعنی دادستان و متهم و از سوی دیگر به دلیل لزوم هر چه بیشتر عادلانه‌تر شدن دادرسی کیفری خصوصاً از منظر موازین بین‌المللی حقوق بشر، امروزه رعایت اصل تناظر در دادرسی کیفری از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا رعایت کامل این اصل مقتضی آن است که اتخاذ هر تصمیمی در مراحل دادرسی کیفری صرفاً پس از استماع هر دو طرف دعوی (خصوصاً متهم به عنوان طرفی که جایگاه نابرابری در مقابل دادستان داراست) صورت پذیرد.

البته مسأله رعایت اصل تناظر به‌ویژه مصادیق و مظاهرش در دادرسی کیفری، که در اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر به عنوان یکی از ضوابط دادرسی عادلانه کیفری به شمار می‌رود، نه تنها از نظر مقررات داخلی اهمیت دارد؛ بلکه همچنین عدم رعایت آن می‌تواند از سوی مراجع بین‌المللی دست‌اندرکار حقوق بشر در عرصه جهانی نیز منجر به موضع‌گیری در مقابل نظام قضایی ایران به عنوان عدم رعایت موازین بین‌المللی دادرسی عادلانه در فرایند رسیدگی کیفری ایران گردد. با این حال حدود اعمال اصل تناظر در حقوق کیفری ایران، پرسش اساسی است که نیازمند بررسی دقیق در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است. البته به عنوان پیش‌فرض اولیه به نظر می‌رسد با توجه به ساختار دادرسی کیفری ایران که در مرحله تحقیقات مقدماتی مبتنی بر اوصاف شیوه تفتیشی است و به صورت محرمانه (ماده ۹۱) و غیرعلنی (ماده ۱۹۲) صورت می‌پذیرد، که خود منجر به اعمال محدودیت‌های دیگری نیز علیه متهم می‌گردد، خصوصاً اصل تناظر در این مرحله در راستای منافع و حقوق متهم نمی‌تواند به صورت کامل رعایت گردد. بدین ترتیب در این مقاله لازم است در ابتدا معنا و مفهوم اصل تناظر را در فرایند کیفری شناسایی نماییم و پس از آن به چگونگی و حدود اعمال این اصل در فرایند کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌پردازیم.

۱. مفهوم تناظر کیفری

تناظر در لغت به معنای «با هم در امری گفتگو کردن، جدال نمودن»^۱ و «مقابله نمودن»^۲ می‌باشد. اهمیت این اصل بنیادین در تحقق یک رسیدگی عادلانه تا حدی است

۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص. ۳۷۰.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، جلد چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۶۱۳۸.

که دامنه اجرای این اصل را نسبت به تمامی انواع رسیدگی‌ها گسترانیده است و هر نوع از دادرسی را شامل می‌شود.^۱ درباره اصل تناظر بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را «اصل توافعی»^۲ و «توافعی بودن»^۳ نامیده‌اند. برخی دیگر بر آن «اصل تناظر» نام نهاده‌اند و آن را به «دادن فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلال‌های خویش» تعریف نموده‌اند.^۴ عده‌ای دیگر در بیان اوصاف سیستم کیفری اتهامی این اصل را به «تدافعی» خوانده‌اند: «محاكمه به طور تدافعی صورت می‌گیرد؛ یعنی شاکی خصوصی اعلام جرم می‌کند و متهم از آن دفاع به عمل می‌آورد. مدعی خصوصی و متهم هر دو مانند خواهان و خوانده در دعوی حقوقی، در یک محل قرار می‌گیرند و مرافعه می‌کنند».^۵ آن را در کنار علنی و شفاهی بودن رسیدگی، جزء اوصاف سیستم اتهامی تلقی نموده‌اند.^۶ همچنین «اصل تناظر عبارت است از اتخاذ کلیه وسایل و طرق قانونی در برابر دعوی یا اختلاف و اتهامی که به طرفین نسبت داده شده است».^۷

همچنین این اصل به «تعادل توافعی»^۸ و «اصل تقابلی» که مبتنی بر توافع و تقابل منافع طرفین در دعوی مدنی است، نامیده شده است.^۹ بر همین اساس است که «دادرسی مکلف است در مقام تمییز حق با رعایت تقابل منافع اصحاب دعوی آنان را به طور مساوی در جریان جزئیات دادرسی قرار داده و بدون حضور طرف مقابل، از دیگری ادعا یا دفاعی نشود و هیچ تصمیمی را بدون اطلاع طرف ذی‌نفع به مرحله اجراء نگذارد، چرا که در غیر این صورت گفتن اینکه دادرسی بی‌طرفانه اقدام نموده بعید به نظر می‌رسد».^{۱۰}

بر اساس این تعاریف به نظر می‌رسد که نویسندگان تعاریف و مقابل‌هایی را که برای تناظر ذکر نموده‌اند، همگی را مفید یک امر می‌دانند و «توافع»، «تناظر»، «تدافعی»، «تقابل» و «تعادل توافعی» ناظر بر یک ماهیت حقوقی می‌باشد. یعنی

۱. محمود، سیداحمد، اصول التقاضی وفقاً لقانون المرافعات، قاهره، دار ابوالمجد للطباعة بالهرم، ۲۰۰۵، ص. ۳۲۱.
۲. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸، ص. ۴۰۲.
۳. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، ص. ۲۸.
۴. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۱.
۵. آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵، ص. ۶۲.
۶. کریمی، عباس؛ رحیمی پور، ایمان، «قواعد حاکم بر استجواب کیفری»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص. ۳۰۲.
۷. گلدوزیان، ایرج، «حق دفاع در مراجع قضایی»، مجله دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳، ۱۳۷۱، ص. ۴۰.
۸. قلی پور، حسن؛ احمدی، سیدمهدی؛ جعفری مته‌کلانی، محمدحسن، «بررسی اصل تعادل توافعی (تناظر) در دادرسی قضایی و داوری تجاری بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۳، ص. ۱۲۷.
۹. غمادی، مجید؛ محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰، ص. ۵۵.
۱۰. همان، ص. ۵۶.

برابری طرفین دعوی به نحوی که در جلسه رسیدگی هر آنچه یکی از اطراف دعوی ادعا نماید و یا ادله‌ای را به دادگاه ارائه نماید، بایستی به اطلاع طرف دیگر برسد و توسط طرف مقابل در محکمه مورد ترافع قرار گیرد تا او نیز بتواند از حقوق خود دفاع نماید، به گونه‌ای که دادرسی نمی‌تواند هیچ تصمیمی را درباره هیچ رکنی از دعوی اتخاذ نماید مگر آنکه اظهارات هر دو طرف دعوی را استماع نموده باشد. آن گونه که گفته‌اند: «هر یک از اصحاب دعوا باید، علاوه بر اینکه فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلال‌ات رقیب را داشته باشد، باید فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلال‌ات خود را نیز دارا باشد».^۱ چنین تعبیری از اصل تناظر که مختص دادرسی حقوقی، و نه کیفری، می‌باشد صرفاً در ارتباط با جلسات محاکمه در دادگاه حقوقی است و تنها واجد مفهوم رسیدگی توافقی در مفهوم اخص خود است که با آنچه با توجه به وجود مراحل مختلف در فرایند کیفری از اصل تناظر مدنظر است، متفاوت است.

درباره مقتضای رعایت اصل تناظر در دادرسی حقوقی گفته‌اند که این اصل «... اقتضا دارد که هر یک از طرفین دعوا در زمان مناسب نسبت به تمام عناصر اعم از ادعاها، جهات و ادله که به وسیله طرف مقابل به دادگاه ارائه شده یا قاضی آنها را رأساً استخراج نموده، اطلاع یابد».^۲ البته در این باره به دلیل آنکه تنها مکانی که اطراف دعوی حقوقی می‌توانند به مناقشه مستقیم درباره ادله و اظهارات طرف مقابل خود بپردازند، فقط دادگاه حقوقی است و بر خلاف دادرسی کیفری که دعوی عمومی در مراحل و مراجع مختلف جریان دارد، مقتضای اصل تناظر هر چند در دادرسی حقوقی به درستی بیان شده است، اما دادرسی کیفری مقتضای رعایت تناظر در تمامی مراجع و زمان‌های فرایند کیفری است و صرفاً شامل رسیدگی توافقی در دادگاه نمی‌باشد.

می‌توان علت این اختلاف در انتخاب معادلی مناسب را با وجود به کار بستن مقررات مشابه در دو نظام حقوق نوشته و حقوق عرفی درباره رعایت حق استماع طرفین، ترجمه اصطلاحات مقابل همدیگر در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی دانست. در بند ۱ ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری در متن فرانسوی از واژه «*contradictoire*» استفاده شده است و در ترجمه آن به زبان انگلیسی این واژه معادل «*adversarial*» به حساب آمده است. این در حالی است که معادل این واژه انگلیسی در زبان فارسی «ترافعی» است. همچنین در ترجمه واژه «*contradictoire*» از ماده مذکور به زبان فارسی نیز از

۱. شمس، عبدالله، «اصل تناظر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۳۵ و ۳۶، بهار تا زمستان ۱۳۸۱، ص. ۵۹.
 ۲. حیدری، سیروس، «اصل تناظر در حقوق فرانسه و کامن‌لا»، مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص. ۱۲۳.

واژه‌های «ترافعی»^۱ و «تدافعی»^۲ استفاده شده است. بنابراین به نظر می‌رسد ترجمه «contradictoire» از زبان فرانسوی به ترافعی در زبان فارسی چندان صحیح نمی‌باشد و به همین دلیل است که برخی حقوق‌دانان از واژه «تناظر» برای افاده این مطلب بهره برده‌اند و بهترین معادل آن را نیز همین اصطلاح دانسته‌اند. همچنان که معادل انگلیسی واژه «contradictoire» نمی‌تواند «adversarial» باشد و به همین دلیل است که دیگران نیز از «the principle of contradictoriness» به منظور افاده مفهوم «تناظر» استفاده نموده‌اند^۳ و نه از «adversarial» که خود یکی از لوازم تناظر است.

با این همه به نظر می‌رسد آنچه که از «تدافعی»، «ترافعی» و ... بودن ذکر شده است همان برگزاری ترافعی رسیدگی در دعاوی حقوقی می‌باشد. اما این امر به طور کامل نمی‌تواند بیانگر اصل تناظر در فرایند کیفری باشد زیرا در دادرسی کیفری، رسیدگی ترافعی از لوازم اصل تناظر است. بدین ترتیب در فرایند کیفری اتهامی، مبتنی بر اصل ترافعی بودن، طرفین با توسل به تساوی سلاح‌ها نسبت به مباحثه مستقیم در حضور قاضی، به عنوان داوری خنثی، اقدام به طرح تمامی ادله خود می‌نمایند، به نحوی که طرف مقابل بتواند به جرح آن بپردازد. بنابراین ترافعی بودن، خود، صرفاً شامل چگونگی برگزاری جلسه رسیدگی است که در سیستم دادرسی اتهامی شامل تحقیقات مقدماتی نیز می‌باشد، زیرا رسیدگی مقدماتی نیز در این نظام پس از ختم تحقیقات مقدماتی و پیش از ارسال پرونده امر به نزد دادگاه صالح بین دادستان و متهم به صورت ترافعی انجام می‌شود.^۴

بدین ترتیب به کار بردن واژگان مذکور برای القای مفهوم «اصل تناظر» در دادرسی کیفری ناکارآمد است. زیرا در فرایند کیفری اصل تناظر را می‌توان واجد مفهومی گسترده‌تر از صرف رسیدگی ترافعی دانست. چه آنکه دادگاه اروپایی حقوق بشر که از دهه ۱۹۸۰ علاوه بر تساوی سلاح‌ها حق بر داشتن رسیدگی ترافعی را نیز در آرای مختلفی برای متهم در نظر گرفته، مفهوم ترافعی بودن رسیدگی را چنین دانسته است که «به دادستان و به متهم بایستی فرصت آگاه شدن و اظهار عقیده درباره مشاهدات خود از پرونده و ادله ابراز شده توسط طرف دیگر اعطاء گردد».^۵

۱. تدین، عباس (مترجم)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱، ص. ۲۵.
 ۲. البیوت، کاترین؛ ورنون، کاترین، نظام حقوقی فرانسه، ترجمه صفر بیگ‌زاده، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۳.

3. Krapac, Davor, "Some Trends in Continental Criminal Procedure in Transition Countries of South-Eastern Europe", in: *Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context, Essays in Honor of Professor Mirjan Damaška*, edited by John Jackson, Máximo Langer and Peter Tillers, Oregon, Hart Publishing, 2008, p. 120.
 4. Samaha, Joel, *Criminal Procedure*, 8th Edition, Belmont, Wadsworth, Cengage Learning, 2012, p. 422.
 5. Jackson, John, "Transnational Faces of Justice: Two Attempts to Build Common Standards Beyond National Boundaries", in: *Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and*

شاید به همین دلیل باشد که علی‌رغم تصریح به اصل تناظر در مواد ۱۴ تا ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، در کامن‌لا به این اصل تصریح نشده است^۱ زیرا ساختار دادرسی اساساً توافقی است و نهادهای دیگری (مانند سؤال متقابل^۲ و افشای مدارک^۳) برای متناظر بودن طرفین دعوی پیش‌بینی شده است؛ به نحوی که نیازی به تصریح به اصل تناظر در این سیستم حقوقی نیست. از همین روست که در کامن‌لا برای افاده مفهوم تناظر با گستردگی مذکور از اصطلاح «اصول توافقی»^۴ و نه «رسیدگی توافقی»^۵ استفاده شده است. بنابراین ویژگی نظام اتهامی مدنی، که سیستم دادرسی کیفری اتهامی نیز از آن متأثر است، مبتنی بر منافع متقابل اطراف دعوی است.^۶

بدین ترتیب مفهوم رسیدگی توافقی در فرایند کیفری اخص از اصل تناظر در معنای مصطلح مورد استفاده در محاکمه است. چنین وضعیتی بین این دو اصل اساسی از دو نظام دادرسی مختلف یادآور این جمله است که «ما باید اصول دادرسی کیفری را با احتیاط مطالعه نماییم، زیرا این محدوده از حقوق کیفری همچنان استانداردسازی نشده است. به همین دلیل نباید اصول مذکور را به عنوان معیارهایی به منظور قضاوت درباره اینکه یک قانون آیین دادرسی کیفری خاص بهتر یا بدتر از قانون آیین دادرسی کیفری دیگری است، به کار برد».^۷

۲. اصل تناظر با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

اصل تناظر در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به صراحت بیان نشده است. این مسأله شاید به دلیل بدهاقت لزوم اجرای اصل تناظر در فرایند رسیدگی باشد. البته این اصل از سابقه تاریخی بسیار طولانی در تاریخ بشریت برخوردار است. اصل تناظر از قاعده لاتین «طرف دیگر را بشنو»^۸ که به مفهوم «لزوم استماع هر دو طرف دعوی» است، نشأت گرفته شده است. تناظر قبل از تعلق به عالم حقوق و دنیای قضاوت منشأ الهی دارد و جزئی از جایگاه انسان و منشعب از وجدان عمومی شهروندان و مبتنی بر اصول عدالت طبیعی می‌باشد.^۹

→ International Context, Essays in Honor of Professor Mirjan Damaška, edited by John Jackson, Máximo Langer and Peter Tillers, Oregon, Hart Publishing, 2008, p. 231.

۱. حیدری، سیروس، منبع پیشین، ص. ۱۲۳.

2. Cross examination

3. Disclosure

4. Adversarial principles

5. Adversarial procedure

۶. محسنی، حسن، اصول حاکم بر دادرسی عادلانه در دعوی مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی،

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۹.

7. Krapac, Davor, Op. cit, p. 120.

8. Audi alteram partem.

۹. حیدری، سیروس، منبع پیشین، ص. ۱۲۷.

تناظر همچنین به صراحت در اسناد بین‌المللی حقوق بشری در رابطه با موازین دادرسی عادلانه ذکر نشده است. این امر می‌تواند ناشی از اختلافات دو نظام عمده حقوقی (نوشته و کامن‌لا) باشد که مانع شده است تا تدوین‌کنندگان اسناد بین‌المللی به صراحت نامی از این اصل تحت عنوان «رسیدگی توافعی»^۱ و یا «اصول تناظری»^۲ به میان بیاورند. با این حال می‌توان آثاری از این اصل را در این اسناد مشاهده نمود. به عنوان مثال می‌توان به بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که پس از بیان اصل براءت به محاکمه‌ای با وجود تمامی تضمینات دفاعی اشاره می‌نماید و بدین نحو بیان داشته است: «هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد، تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد» و قسمت «د» از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی که بر اساسی‌ترین حق در دادرسی یعنی حضور در محاکمه با این بیان توجه دارد: «در محاکمه حاضر بشود...» و به همین ترتیب قسمت «ه» بند ۳ ماده مذکور نیز بر حق سؤال پرسیدن از شهود اشاره دارد که کامل‌کننده رسیدگی توافعی و از اجزای بنیادین اصل تناظر است، اشاره نمود. همچنین در قسمت «د» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز در این باره بیان شده است: «متهم حق دارد شخصاً یا با کمک مشاور حقوقی از خود دفاع نماید...» و قسمت «و» بند مذکور نیز بر حق به چالش کشیدن شهود اقامه‌شده علیه متهم اشاره دارد که متضمن اصل تناظر است. در منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها نیز قسمت «ب» بند ۱ ماده ۷ به مفاد این اصل اشاره دارد. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین نیز از این حق غافل نشده است. بند ۱ ماده ۶ این کنوانسیون را، که راجع به حق دادرسی عادلانه مقرراتی کلی را وضع نموده است، می‌توان متضمن بسیاری از اوصاف اصل تناظر، که مشتمل بر رسیدگی توافعی نیز می‌باشد، دانست. البته بسیاری از مقررات این بند با موازین بند ۳ همین ماده هم‌پوشانی دارد از جمله در بند «د» درباره حق متهم راجع به پرسیدن سؤال از شاهدهی که علیه او اقامه شده است.^۳ شاید به همین دلیل است که در آرای مختلف دیوان اروپایی حقوق بشر در این باره از «رسیدگی توافعی»^۴ و نه از فرایند یا دادرسی توافعی نام برده شده است.^۵ هر چند بر اساس آرای دیوان به نظر می‌رسد حق بر دادرسی توافعی هر چند نمی‌تواند به طور کامل بیانگر مقتضیات اصل

1. Adversarial processing
2. The principles of contradictoriness
3. European court of human rights, guide on article 6: right to a fair trial, 2014, available at www.echr.coe.int, p. 20.
4. Adversarial hearing
5. Ibid

تناظر مبنی بر آگاهی و اعلام نظر طرفین نسبت به تمامی مدارک و مستندات و صدور هر گونه تصمیم دادگاه با اطلاع اطراف دعوی باشد، اما شاید بتوان با امتزاج حقوق دیگر (یعنی افشای ادله و سؤال از شاهد) دادرسی توافقی را مسامحتاً معادل با اصل تناظر به حساب آورد. چه آنکه دیوان به عنوان نمونه در پرونده رو و دیویس علیه انگلستان^۱ تخلف از حق افشای مستندات را نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین اعلام داشته است. هر چند آن چنان که قبلاً هم ذکر شد چنین برداشتی می‌تواند وجود مستقل عناصر و اصول دادرسی کیفری (در اینجا رسیدگی توافقی، افشای مستندات و سؤال از شاهد) را متأثر نماید و این ارکان را، که محصول سال‌ها تلاش سیستم اتهامی دادرسی کیفری است، در سایر اصول مضمحل نماید و ارزش مستقلانه آنها را نادیده انگارد. از همین روست که به نظر می‌رسد تدوین کنندگان کنوانسیون مذکور تعمداً به صراحت نامی از توافقی بودن رسیدگی به میان نیاورده‌اند؛ در حالی که بسیاری از ضوابط یک دادرسی توافقی را به منظور تحصیل دادرسی عادلانه مطابق با آنچه در اروپای بری به اصل تناظر معروف است، در بندهای ماده ۶ کنوانسیون وارد نموده‌اند تا نه تنها موجبات مجادلات بین دو سیستم متعارض دادرسی کیفری را بیش از پیش ایجاد نکنند، بلکه بر عکس سبب تعالی این دو را نیز فراهم آورند. از همین روست که بر خلاف دیدگاه‌های سنتی «توافقی علیه اتهامی»^۲ برخی از دادرسی‌دانان مشهور دنیا توانسته‌اند نظریه‌ای «دو وجهی (دو بُعدی)»^۳ ارائه دهند که توانایی جایگزین شدن با دیدگاه سنتی مذکور را داراست.^۴

تناظر و برابری اطراف دعوی همچنین در ایران باستان نیز سابقه‌ای طولانی دارد به نحوی که اگر کسی علیه شاه شکایتی مطرح می‌نمود دعوی در محکمه‌ای به قضاوت موید موبدان رسیدگی می‌شد. یکی از قواعد اساسی این محکمه آن بود که شاه از سر خود تاج برمی‌داشت تا در نظر موید موبدان با شاکی برابر باشد و او بتواند به دور از هر گونه تأثیرپذیری از جایگاه مشتکی‌عنه به مساوات اظهارات هر دو طرف دعوی را استماع نماید و آن گاه به صدور رأی اقدام نماید و اگر رأی صادرشده علیه شاه می‌بود تا زمانی که مفاد رأی را اجرا نمی‌کرد تاج خود را دو مرتبه بر سر نمی‌گذاشت.^۵

1. Rowe and Davis v. the United Kingdom.

2. Adversary-versus-inquisitorial

3. Two-dimensional theory

4. Frase, Richards, "Sentencing and Comparative Law Theory", in: Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context, Essays in Honor of Professor Mirjan Damaška, edited by John Jackson, Máximo Langer and Peter Tillers, Oregon, Hart Publishing, 2008, p. 353.

۵. صانعی، پرویز، «ترجمه مقدمه ماتیکان هزار دادستان»، مجله حقوق مردم، شماره ۲۶، ۱۳۵۰، ص. ۴۱.

۶. برای مطالعه بیشتر درباره حقوق ایران پیش از اسلام مراجعه شود به: شهزادی، رستم (مترجم و گردآورنده)، قانون

مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان: گفتاری درباره کتاب ماتیکان هزار دادستان، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۸۶.

در فقه امامیه نیز تناظر، برابر انگاشتن و آگاهی یافتن از دفاعیات اطراف دعوی از اصول بنیادین به حساب می‌آید. به عنوان نمونه امام باقر (ع) در نقل روایتی از پیامبر اکرم (ص) درباره تناظر طرفین دعوی چنین فرموده‌اند: «اذا تقاضی الیک رجلان فلا تقض للاول حتی تسمع من الآخر».^۱ البته برخی از روایت مذکور عدم جواز صدور حکم غیابی را استنباط نموده‌اند، اما مفاد این روایت بدین معنا است که «قاضی نباید بدون استماع اظهارات طرفین و رسیدگی به دلایل آنها حکم نهایی صادر نماید».^۲ یعنی همان چیزی که امروزه در حقوق تحت عنوان اصل تناظر مبنی بر لزوم استماع اظهارات اطراف دعوی و سپس صدور رأی توسط قاضی مشهور شده است.

بنابراین و با توجه به سابقه این اصل به نظر می‌رسد که عدم تصریح به آن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و حتی در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ به معنای مخالفت مقنن با این اصل ابتدایی حقوق نمی‌باشد، بلکه شاید به دلیل بداهت این اصل و پذیرش ضمنی آن است که قانون‌گذار به صراحت از آن یاد ننموده است. چه آنکه مقنن در بند «ب» ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ درباره اعمال نظریه بطلان در آیین دادرسی کیفری ایران مقرر داشته است: «هرگاه رأی مخالف قانون، یا بدون توجه به ادله و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض ... می‌کند.» بدین ترتیب به دلیل آنکه اصل تناظر نیز از اساسی‌ترین اصول دادرسی کیفری است و عدم رعایت آن به درجه‌ای از اهمیت است که موجب بی‌اعتباری رأی می‌گردد و تخلف از آن موجب بطلان رأی صادر شده می‌باشد،^۳ می‌توان معتقد بر پذیرش اصل تناظر در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بود، به نحوی که تخلف از آن نیز موجب بطلان تصمیمات می‌باشد.

با این حال ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بیان شیوه رسیدگی در محکمه به ترافیعی بودن آن اشاره نموده و بند «ج» این ماده نیز با در نظر گرفتن ماهیت رسیدگی ترافیعی به رسیدگی درباره ادله ابراز شده توسط طرفین اشاره دارد که همانا مفهوم رسیدگی ترافیعی می‌باشد، اما اصل تناظر آن چنان که آمد ناظر بر تمام فرآیند دادرسی است و فقط شامل ترافع طرفین درباره ادله ابراز شده نمی‌باشد. شاید به همین دلیل باشد که آنان که بر هر دو مفهوم تناظر در حقوق فرانسسه و ترافیعی در

۱. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، جلد ششم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ص. ۲۲۸.

۲. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (۳) بخش قضایی، تهران، انتشارات علوم اسلامی، ۱۳۷۷، ص. ۳۳۷.

۳. زراعت، عباس، بطلان در آیین دادرسی کیفری، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۲.

حقوق کامن‌لا آشنایی دارند برای بیان مفهوم توافقی در سیستم کامن‌لا نه از اصل تناظر بلکه از «اصول تناظری»^۱ بحث نموده‌اند.^۲

البته لازم به ذکر است که در ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ راجع به امکان رسیدگی توافقی در دادسرا نسبت به جرایم قابل گذشت و ماده ۳۵۹ آن قانون درباره شیوه رسیدگی توافقی در زمان برگزاری محاکمه در دادگاه، مقنن به صراحت از رسیدگی توافقی نام برده است اما آن چنان که قبلاً ذکر شد منظور از رسیدگی توافقی اخص از اصل تناظر در تمامی وجوه دعوی کیفری است و صرفاً شامل محاکمه در دادگاه کیفری نمی‌باشد. بر همین اساس و با پذیرش اصل تناظر در دادرسی کیفری در این قسمت و به ترتیب در مرحله پیش از محاکمه و در مرحله رسیدگی در دادگاه به موارد ناقض اصل تناظر علیه متهم که در مقابل دادستان به عنوان طرف اصیل و ضعیف دعوای عمومی محسوب می‌گردد (یعنی استثنائات اصل تناظر) پرداخته می‌شود. البته به دلیل آنکه شاکی به عنوان طرف اصیل دعوای عمومی به حساب نمی‌آید و اسناد حقوق بشری بین‌المللی نیز بر وضعیت متهم در دادرسی کیفری توجه ویژه‌ای معطوف داشته‌اند، در اینجا صرفاً به مقرراتی که موجب نقض اصل تناظر علیه متهم در دادرسی کیفری می‌گردد، می‌پردازیم.

۱-۲. اصل تناظر در مرحله تحقیقات مقدماتی

هر چند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اجرای اصل تناظر را به صراحت در مرحله پیش از محاکمه در دادگاه بیان نداشته است، اما این مرحله نیز بر اساس اصول کلی دادرسی کیفری مبتنی بر تناظر می‌باشد و در قانون مذکور نیز نشانه‌هایی از این اصل به خوبی مشهود است. از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: به موجب تبصره ۲ ماده ۹۱ راجع به مقررات اعطای نیابت درباره استماع شهادت و اخذ اقرار و ادله‌ای که مورد استناد قاضی کیفری می‌باشد، قابل تحصیل از راه اعطای نیابت به قاضی دیگری نیست؛ بلکه قاضی صادرکننده رأی باید آن را استماع کند. لزوم حضور متهم در مواردی که دادستان دعوی عمومی را به صورت شفاهی در دادگاه صالح مطرح می‌نماید به موجب ماده ۸۶، امکان حضور افراد دخیل در امر کیفری در زمان انجام معاینه محل و تحقیق محلی به موجب ماده ۱۲۵، ابلاغ نظریه کارشناس به متهم و شاکی و اختیار ایشان به منظور ملاحظه نظریه و اظهار نظر درباره آن به موجب ماده ۱۶۱ و ارائه عذر موجه توسط متهم زمانی که احضار شده است اما قادر به حضور نمی‌باشد به موجب ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

1. The principles of contradictoriness

2. Krapac, Davor, Op. cit., p. 134.

حق متهم بر درخواست احضار شاهد و پرسش نمودن از او نیز از دیگر لوازم اصل تناظر کیفری است. از همین رو مقنن در ماده ۲۰۴ قانون اخیرالذکر به حق متهم مبنی بر درخواست احضار شهود او اشاره دارد؛ به نحوی که حتی بر اساس تبصره ۱ ماده مذکور امکان جلب شاهد نیز برای کشف واقعیت پیش‌بینی شده است. با این حال با در نظر گرفتن ماده ۲۰۶ قانون مذکور مبنی بر تحقیق غیرعلنی از شهود در مرحله تحقیقات مقدماتی و ماده ۲۰۷ ناظر بر انجام تحقیق به صورت انفرادی از شهود به نظر می‌رسد که در مرحله پیش از محاکمه در دادگاه مواجهه شاهد و متهم امکان‌پذیر نمی‌باشد و در نتیجه در این مرحله سؤال نمودن متهم از شاهد موضوعیت ندارد. البته به نظر می‌رسد که این وضعیت مختص زمانی است که مقام تحقیق از اختیاری که ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مبنی بر ترافی بر گزار نمودن تحقیقات مقدماتی جرایم قابل گذشت به وی داده است، استفاده ننماید و تحقیقات به صورت غیرعلنی و سری و نه ترافی انجام گردد؛ چه آنکه رسیدگی ترافی خود مستلزم سؤال از شاهد است. بنابراین در ماده ۱۹۲ قانون مذکور حق سؤال نمودن از شاهد برای متهم قابل تصور است.

اما با وجود این می‌توان مواردی را در دادرسی کیفری به عنوان ناقض این اصل بنیادین علیه متهم به حساب آورد. به نحوی که تصمیم اخذشده صرفاً بر اساس مستندات و اظهارات شاکی (البته نه به عنوان طرف اصیل دعوی عمومی چه آنکه اطراف دعوی عمومی دادستان و متهم هستند)^۱ و بدون استماع اظهارات و بررسی ادله متهم صادر شده است. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱-۲-۱. اختیارات ضابطین دادگستری درباره جرایم مشهود

هر چند جرم مشهود بنا به وضعیت و شرایطی که در آن رخ می‌دهد مستلزم انجام اقدامات سریع به منظور جلوگیری از امحاء آثار و ادله وقوع جرم می‌باشد، اما با این حال اعطای اختیارات گسترده تحقیقاتی و حتی اختیار بازداشت نمودن متهم و سلب آزادی تن او به ضابطان دادگستری، بدون استماع اظهارات و بررسی ادله طرفین دعوی عمومی و در نتیجه بدون دستور مقام قضایی صالح، خود می‌تواند یکی از موارد شایع نقض اصل تناظر باشد. در چنین وضعیتی و خصوصاً زمانی که امر منجر به بازداشت متهم قبل از دستور مقام قضایی می‌گردد، اظهارات متهم و ادله او مورد بررسی مقام قضایی قرار نگرفته است، بنابراین به سهولت می‌توان نقض اصل تناظر را به ضرر متهم در این موارد مشاهده نمود. از سوی دیگر وجود چنین اختیاری را مبنی بر

۱. زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۷.

بازداشت افراد بدون دستور قضایی توسط ضابطان دادگستری، که نماینده دادستان محسوب می‌شوند، می‌توان ناشی از عدم توازن حقیقی بین اختیارات قضایی قضات و اختیارات قضایی ضابطان دادگستری و در واقع به گونه‌ای تفوق قوه مجریه در قبال اختیاراتی که ذاتاً قضایی محسوب می‌شوند، دانست.^۱

۲-۱-۲. اختیار دادستان بر نظارت نسبت به تحقیقات مقدماتی

در مرحله تحقیقات مقدماتی هیچ امری در پرونده کیفری بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نسبت به دادستان محرمانه و سری محسوب نمی‌شود. از همین روست که مقنن در ماده ۷۴ قانون مذکور اختیار حضور در جریان تحقیقات مقدماتی و نظارت بر آن را به طور مطلق به دادستان اعطا نموده است. علاوه بر این به موجب ماده ۱۰۵ قانون مذکور بازپرس مکلف به اجرای تقاضای قانونی دادستان می‌باشد. بدین ترتیب بسیار محتمل است که دادستان ادله و اظهاراتی را علیه متهم نسبت به پرونده امر مطرح نماید؛ در حالی که با توجه به محرمانگی دعوی کیفری در این مرحله نسبت به متهم در برخی از موارد (قرار عدم دسترسی به پرونده به موجب ماده ۱۹۱) متهم از دستیابی و اطلاع یافتن از این ادله و اظهارات محروم باشد و در نتیجه مقام تحقیق صرفاً بر اساس ادله ابراز شده توسط یک طرف دعوا علیه طرف دیگر، که ماهیتاً نیز از نظر جایگاه نسبت به دادستان ضعیف‌تر هم می‌باشد، بدون استماع اظهارات و بررسی ادله طرف مقابل علیه متهم تصمیماتی را اخذ نماید. این در حالی است که اگر متهم از ادله و اظهارات دادستان مطلع بود، می‌توانست در مقابل آنها از خود دفاع نماید و مانع اتخاذ تصمیم توسط مقام تحقیق علیه خود گردد. بدین ترتیب وجود چنین اختیاری برای دادستان و در مقابل ممنوعیت آگاهی متهم از تمام مستندات و اطلاعات دعوی عمومی می‌تواند موجبات نقض اصل تناظر را در این مرحله فراهم آورد؛ به نحوی که قاضی بدون استماع اظهارات و بررسی ادله هر دو طرف، علیه یکی از اطراف دعوا تصمیمی اتخاذ می‌نماید.

۲-۱-۳. تحقیق غیرعلنی از شهود

یکی از مصادیق تناظری بودن رسیدگی کیفری حق متهم درباره شهادت شهود است زیرا از این رهگذر هم یکی از مهم‌ترین دلایل توسط مرجع رسیدگی‌کننده استماع می‌گردد و هم شهودی که علیه متهم استماع شده‌اند مورد سؤال او قرار می‌گیرند تا از این روش، ادله اطراف امر کیفری توسط مقام قضایی مورد مشاهده و بررسی قرار گیرد که این امر همانا متضمن موضوع اصل تناظر مبنی بر استماع هر دو طرف دعوی و کشف حقیقت است که

۱. دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳، ص. ۲۶۶.

در سیستم دادرسی اتهامی از طریق سؤال از شاهد و در سیستم دادرسی تفتیشی از طریق نقش فعال قاضی منجر به کشف واقعیت می‌گردد.^۱

این حق واجد دو جنبه است. اول آنکه متهم نیز همانند دادستان حق دارد شهود خود را معرفی نماید تا از طریق مرجع رسیدگی کننده جهت بیان اظهارات خود احضار گردد. این حق در قسمت «ه» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت «د» بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، قسمت «و» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر مورد پذیرش قرار گرفته است. بدین ترتیب متهم نیز همانند دادستان و با همان ترتیباتی که او می‌تواند شهود خود را در مرجع رسیدگی کننده حاضر نماید، حق دارد تا درخواست احضار شهود خود را از مرجع رسیدگی کننده بنماید تا از این رهگذر از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر فرصت مساوی به منظور استماع شهود او نیز فراهم آید که این مقررات هم بیانگر مصداقی از تساوی اختیارات دفاعی طرفین و هم نشان‌دهنده نمونه‌ای از تناظر کیفی است.^۲ البته متهم حق غیرمحدودی مبنی بر احضار شهود ندارد بلکه مراجع داخلی رسیدگی کننده به طور معمول این حق را به منظور تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا حضور یک شاهد ضروری است یا خیر، دارند.^۳

جنبه دوم این حق پرسیدن سؤال از شهودی است که علیه متهم اقامه شده است و به چالش کشیدن صحت اظهارات ایشان می‌باشد. این حق یکی از لوازم دادرسی ترافعی سیستم اتهامی محسوب می‌شود. این حق نیز در اسناد بین‌المللی حقوق بشری به صراحت به عنوان یکی از لوازم تحقق دادرسی عادلانه ذکر شده است. قسمت «ه» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قسمت «د» بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، قسمت «و» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر راجع به این امر می‌باشد. تصریح به وجود چنین حقی برای متهم به خوبی یادآورنده نظام دادرسی ترافعی است^۴ که متهم تحت عنوان سؤال متقابل^۵ در برابر سؤال اولیه‌ای که از شاهد توسط فردی که او را احضار نموده است، توسط متهم یا وکیل او صورت می‌گیرد^۶ و به خوبی می‌تواند زمینه را برای بررسی ادله اطراف دعوی کیفری

1. Ambos, Kai, "International Criminal Procedure: Adversarial, Inquisitorial or Mixed?", *International Criminal Law Review*, vol. 3, 2003, p. 14.
2. Perna v. Italy available at <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-61075>
3. S.N. v. Sweden available at: <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-60564>
4. Nowak, Manfred, UN Covenant on Civil and Political Rights CCPR Commentary, Second Revised, N.P. Engel Publisher, 2005, p. 262.
5. Cross-examination
6. Ellis Wild, Dudan, Webster's new World Law Dictionary, Wily Publishing Inc, 2008, pp. 136-137.

خصوصاً شهودی را که در مرحله تحقیقات مقدماتی علیه متهم به ارائه اطلاعات خود پرداخته‌اند، برای متهم و وکیل او فراهم آورد و اصل تناظر را به منصف ظهور رساند. کمیته حقوق بشر نیز با تأکید بر الزام شهود نسبت به حضور در دادگاه استفاده، مراجع رسیدگی کننده کشورهای عضو را از اظهارات کتبی ارائه شده توسط شهود، صراحتاً مغایر با موازین میثاق اعلام داشته است. از منظر این کمیته هدف از برقراری حق پرسش از شاهد آن است که متهم دارای همان اختیاراتی برای احضار شهود و سؤال پرسیدن از او باشد، که برای دادستان نیز مقرر شده است. از همین روست که کمیته در قضیه‌ای بیان داشته است: «با توجه به اینکه متهم نتوانسته شهود خود را در دادگاه حاضر نماید و شهود مقابل را مورد پرسش قرار دهد، مقررات میثاق در این باره نقض گردیده است». به علاوه پنهان نگاه داشتن هویت شهود از متهمین قاجاق مواد مخدر و جرایم تروریستی، به عنوان نقض این حق محسوب شده است.^۱ در دیوان کیفری بین‌المللی نیز علی‌رغم به رسمیت شناخته شدن حق سؤال از متهم ممکن است با در نظر گرفتن مسائل امنیتی شهود اخذ شهادت نه به گونه مرسوم بلکه به هر طریق مجاز دیگری صورت گیرد.^۲

در حقوق ایران یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که می‌تواند موجبات محکومیت یا برائت متهم را فراهم آورد اظهارات شهود و مطلعان است. به موجب ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحقیق از شهود و مطلعان در تحقیقات مقدماتی به صورت غیرعلنی و به موجب ماده ۲۰۷ همان قانون در غیاب متهم صورت می‌گیرد. بدین ترتیب دلیلی که علیه متهم ابراز شده است از دسترس او خارج است و او نمی‌تواند اظهارات خود را در قبال چنین دلیل بااهمیتی ابراز نماید و ادله مخالف آن را ابراز نماید. بنابراین در چنین حالتی نیز خصوصاً اگر به موجب ماده ۱۹۱ قانون اخیرالذکر قرار عدم دسترسی به محتویات پرونده علیه متهم نیز صادر شده باشد او از محتوای اظهارات شهود و مطلعین ناآگاه خواهد بود و نمی‌تواند از خود در قبال آن دفاع نماید. از همین رو محتمل است که قاضی تحقیق بدون استماع اظهارات متهم در قبال شهادت شهود به اتخاذ تصمیمی علیه متهم اقدام نماید و به عنوان نمونه قرار تأمین کیفری را تشدید نماید.

۲-۱-۴. صدور قرار تأمین خواسته

صدور قرار تأمین خواسته در دادرسی مدنی نیز به عنوان یکی از استثنائات بارز اصل تناظر به حساب می‌آید، چه آنکه ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های

1. Safferling, Christophe, Towards an International Criminal Procedure, Oxford University Press, 2001, p. 277.

۲. بیگزاده، ابراهیم، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۱.

عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ مدیر دفتر دادگاه را مکلف نموده است تا به محض دریافت درخواست تأمین خواسته پرونده را فوری به نظر دادگاه برساند و دادگاه نیز بدون اخطار به طرف به دلایل درخواست کننده تأمین رسیدگی نماید و قرار تأمین یا قرار رد تأمین را صادر نماید. در ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز مقنن به مقام تحقیق اختیار صدور قرار تأمین خواسته را به نفع شاکی و علیه متهم بدون اطلاع او اعطا نموده است و علاوه بر این به موجب ماده ۱۰۹ همان قانون در مواردی که ابلاغ فوری قرار مذکور ممکن نباشد و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته شود، اجرای قرار تأمین خواسته را قبل از ابلاغ نیز پیش‌بینی نموده است. بدین ترتیب صدور قرار تأمین خواسته هر چند مستقیماً راجع به دعوی عمومی نمی‌باشد و درباره دعوی خصوصی و ضرر و زیان ناشی از جرم است اما بدون استماع اظهارات و بررسی ادله هر دو طرف دعوا صادر می‌شود و می‌توان آن را به عنوان یکی از موارد ناقض اصل تناظر به حساب آورد.

۲-۲. اصل تناظر در مرحله محاکمه در دادگاه

مفاد اصل تناظر در مرحله دادرسی در دادگاه کیفری نیز پذیرفته شده است. به عنوان نمونه ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ درباره لزوم برگزاری جلسه محاکمه به صورت توافقی به نحوی که تمامی ادله‌ای که در مرحله تحقیقات مقدماتی علیه متهم به شیوه غیرعلنی و سری جمع‌آوری شده است، در محضر دادگاه و در حضور طرفین (خصوصاً متهم) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که متهم حق به چالش کشیدن تمامی ادله ابراز شده را دارد. همچنین ماده ۳۲۶ نیز ناظر بر حق سؤال پرسیدن از شاهد طرف مقابل است. ماده ۳۵۱ نیز راجع به حق اطلاع یافتن متهم و شاکی از محتویات پرونده و اخذ تصویر از اوراق آن می‌باشد. یکی دیگر از مهم‌ترین مصادیق اجرای اصل تناظر را نیز ماده ۳۷۳ قانون مذکور مبنی بر عدم دریافت لوایح، اسناد و مدارک جدید توسط دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی بیان داشته است تا از این رهگذر تمامی ادله و اظهارات اطراف دعوی به اطلاع و استماع همدیگر برسد و بدین ترتیب اصل تناظر با دریافت لوایح و مستندات جدید بعد از اعلام ختم مذاکرات مخدوش نگردد.

رسیدگی توافقی^۱ ویژگی اصلی دادرسی مدنی است و در دادرسی‌های کیفری سیستم اتهامی^۲ نیز شیوه غالب رسیدگی است و ماهیت اساسی محسوب می‌شود.^۳

1. Adversarial
2. Accusatorial
3. Hungerford-Welch, Peter, Criminal Litigation and Sentencing, Sixth Edition, Cavendish Publishing Limited, London, 2004, p. 206.

البته بعضاً و بنا بر اشتباه مصطلح این دو، یعنی توافقی و اتهامی، معادل همدیگر به حساب آمده‌اند.^۱ در این گونه از رسیدگی اساساً قاضی به عنوان داوری منفعل محسوب می‌شود^۲ قاضی صرفاً تصمیم‌گیر نهایی بر اساس اظهارات طرفین دعوی است و هیچ اختیار عملی خصوصاً در دعاوی کیفری در جهت تحصیل دلیل ندارد.^۳ اما همین ویژگی نظام اتهامی است که قاضی را صرفاً به عنوان «هدایت‌گر بی‌طرف دادرسی»^۴ معرفی می‌نماید.^۵ با این حال قاضی همیشه نگران و درگیر رعایت قواعد دادرسی است تا مبدا قواعد و اصول دادرسی نادیده انگاشته شوند.^۶ در نظام دادرسی اتهامی حتی «رسیدگی ابتدایی»^۷ نیز به صورت توافقی صورت می‌گیرد. دادستان ادله جمع‌آوری شده را ارائه می‌دهد و سپس متهم آنها را به چالش کشیده و حتی می‌تواند دلایل خود را نیز ارائه دهد؛ به نحوی که این تحقیقات نیز علنی صورت می‌گیرد.^۸

یکی از مصادیق بارز اصل تناظر، حق متهم مبنی بر پرسیدن سؤال از شاهی است که علیه او به ارائه اطلاعات می‌پردازد. سؤال از شاهد طرف مقابل که از عناصر رسیدگی توافقی در نظام اتهامی است به دور از روابط شخصی و خویشاوندی، عداوت و وجود دعاوی بین شاهد و طرف دعوی کیفری محک مطمئنی در جهت اثبات صدق و کذب شهادت شاهد محسوب می‌گردد، به نحوی که بسیاری از مدعیان یا متهمان که حق اقامه شاهد را دارند از این امر امتناع می‌ورزند؛ چه آنکه در چنین حالتی طرف مقابل و وکیل او می‌توانند در جلسه محاکمه با انبوه سؤالات وضع را بیشتر به ضرر طرفی نمایند که شاهد را اقامه داشته است.^۹

از همین روست که ماده ۳۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز به وجود این حق همانند ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ تصریح نموده است. البته این سؤال نیز مطرح است که آیا مقنن صرفاً طرح نمودن سؤالات را از شاهد در نظر دارد و یا آنکه تأسیسی را مشابه نهاد سؤال متقابل در

1. Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darry; Wilmschurst, Elizabeth, An Introduction to International Criminal Law and Procedure, Cambridge University Press, 2007, p. 349.
2. Kubicek, Theodore, Adversarial Justice: Americas Courts System on Trial, Alogora Publishing, New York, 2006, p. 47.
3. Ibid.
4. The impartial director of the trial
5. Landsman, Stephan, Reading on Adversarial Justice: the American Approach to Adjudication, West Publishing Company, 1988, p. 87.
6. Bacigal, Ronald J., Criminal Law and Procedure: an Overview, 3rd Edition, Delmar Cengage Learning, 2009, p. Xxxviii.
7. Preliminary hearing
8. Samaha, Joel, Op. cit., p. 422.

۹. ریاضی، علی‌اکبر، «سؤال از شاهد طرف مقابل»، مجله کانون وکلا، شماره‌های ۱۵۰ و ۱۵۱، بهار و تابستان ۱۳۶۹، صص. ۱۴۷-۱۴۶.

کامن‌لا انگلستان که امری است پیچیده و مشتمل بر سلسله سؤالات مکرر و تقریباً با سرعت بالا^۱ با توجه به تصریح به ترافیعی بودن محاکمات کیفری در ماده ۳۵۹ قانون مذکور، مدنظر دارد.

به نظر می‌رسد با عنایت به غیرمرسوم بودن سیستم اتهامی رسیدگی در ایران و در نتیجه ناآشنایی دست‌اندرکاران امر قضا نسبت به این نظام و خصوصاً تفاوت ماهوی و مبنایی دادرسی کیفری ایران، که نمی‌توان آن را حتی در مرحله محاکمه در دادگاه نیز واجد ماهیتی اتهامی دانست چه آنکه در سیستم اتهامی آن چنانکه سابق هم متذکر شدیم قاضی اساساً داوری خنثی محسوب می‌شود، اما در دادرسی کیفری ایران به موجب ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ علی‌رغم تصریح به ترافیعی برگزار شدن محاکمات کیفری در دادگاه‌ها بر اساس ماده ۳۵۹ همان قانون قاضی همچنان دارای اختیاراتی فراتر از آن حدی است که بتوان او را صرفاً به عنوان داوری خنثی به شمار آورد. زیرا او همچنان اختیار دارد تا علاوه بر ادله طرفین هر گونه تحقیق و اقدامی را که در راستای کشف حقیقت لازم است، انجام دهد چه آنکه اساساً وظیفه سؤال نمودن در سیستم تفتیشی را قاضی فعال بر عهده دارد و اطراف دعوی نیز می‌توانند سؤالات خود را پس از اعلام ختم سؤالات قاضی مطرح نمایند.^۲ در نتیجه نمی‌توان معتقد بر این بود که مقنن در دادرسی کیفری ایران نیز قصد تأسیس نهادی جدید مشابه سؤال متقابل در سیستم کامن‌لا دارد و صرفاً مانند گذشته دادرسی کیفری در ایران اطراف دعوی کیفری می‌توانند سؤالات خود را از شهود همدیگر مطرح نمایند؛ بدون آنکه در قالب کامن‌لایی چنین امری مدنظر باشد. زیرا در یک سیستم سنتی تفتیشی، آن قاضی است و نه اطراف دعوی که تصمیم می‌گیرد کدام فرد یا افراد معرفی شده، به عنوان شاهد احضار گردد.^۳ در هر حال با توجه به به چالش کشیده شدن شهادت شهود در محضر مقام رسیدگی کننده، این حق یکی از لوازم رسیدگی ترافیعی در سیستم اتهامی و از مصادیق اصل تناظر در نظام دادرسی حقوق نوشته می‌باشد.

با وجود این می‌توان در مواد مختلف قانون اخیرالذکر مواردی را یافت که برخلاف اصل تناظر محکمه بدون استماع اظهارات و بررسی ادله هر دو طرف دعوی عمومی نسبت به اتخاذ تصمیمی اقدام می‌کند. بدین ترتیب می‌توان موارد ذیل را به عنوان استثناء اصل تناظر در مرحله محاکمه کیفری به حساب آورد.

1. Zander, Michael, Cases and Material on English Legal System, 10th Edition, Cambridge University Press, 2007, p. 419.
2. Ibid, p. 395.
3. Ibid, p. 396.

۲-۲-۱. اخراج متهم از دادگاه

قاضی محکمه موظف است نظم دادگاه را به هر طریقی برقرار نماید. اما بعضی اوقات حضور متهم در محاکمه موجب بر هم خوردن نظم جلسه می‌شود. در چنین وضعیتی باید تا آنجا که امکان دارد نظم دادگاه با حضور طرفین برقرار گردد. اگر قاضی نتواند نظم را بر پا نماید، چاره‌ای جز اخراج متهم از جلسه رسیدگی باقی نخواهد ماند. اما اخراج متهم از دادگاه موجبات نقض برخی از اصول دادرسی کیفری و تبعاً تضييع حقوق او را فراهم می‌آورد. اما سبب این محرومیت خود متهم است. اگر متهم در جلسه دادگاه حضور نداشته باشد، تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع از او امکان نخواهد داشت و اعلام ختم مذاکرات و صدور رأی به موجب ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز قانوناً بدون اخذ آخرین دفاع ممکن نخواهد بود. از همین روست که مقنن برخلاف تبصره ۲ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ با در نظر گرفتن تبعات منفی اخراج اصحاب دعوی خصوصاً اخراج متهم و به موجب ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در صورت بر هم زدن نظم جلسه محاکمه توسط اصحاب دعوی بدون اخراج آنها دادگاه صرفاً می‌تواند دستور حبس ایشان را به مدت یک تا پنج روز صادر نماید. اما اگر افراد دیگری به غیر از اصحاب دعوی از جمله وکلای مدافع اصحاب دعوی موجب اخلال در نظم جلسه گردند، دادگاه حق اخراج آنها را دارد. بدین ترتیب درست است که مقنن با در نظر گرفتن توالی فاسد اخراج متهم از جلسه رسیدگی این امر را تجویز ننموده است، اما همچنان امکان اخراج وکیل مدافع او که بدون حضور او ممکن است متهم نتواند از خود به خوبی دفاع نماید و از رهگذر اخراجش ممکن است اصل تناظر مخدوش گردد اما در هر حال اخراج نتیجه عمل خود وکیل مدافع است و نمی‌توان دیگران را در این امر دخیل و مسئول دانست.

۲-۲-۲. عدم حضور طفل متهم در محاکمه

جلسات محاکمه اطفال و نوجوانان به صورت غیرعلنی و محرمانه برگزار می‌گردد و هر فردی حق حضور در آن را ندارد، مگر با موافقت دادگاه. طفل یا نوجوان متهم نیز علی‌الاصول در جلسه دادگاه حضور دارند. اما در برخی از موارد مصلحت متهم نابالغ مقتضی آن است که در جلسه دادگاه حاضر نباشد. چنانچه دادگاه احراز نماید که حضور طفل در دادگاه موجب صدمات روانی به وی می‌گردد، او را از حضور در دادگاه معاف می‌نماید. سخنان طفل معمولاً اثر حقوقی ندارد زیرا اراده او کامل نیست. از همین رو ممکن است چنین ادعا شود که عدم حضور وی منافاتی با اصل تناظر ندارد،

بلکه اگر حضور هم داشته باشد، دفاعی انجام نمی دهد. این ادعا معقول است اما ممکن است استماع اظهارات طفل در جلسه دادرسی، مؤثر باشد.^۱ در هر حال ماده ۴۱۴ قانون اخیرالذکر در این باره چنین بیان داشته است: «هر گاه مصلحت طفل موضوع تبصره ۱ ماده ۳۰۴ این قانون اقتضا کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می شود.»

۲-۲-۳. رسیدگی غیابی

در مواردی، اگر چه مقنن احترام به اصل تناظر را پیش‌بینی نموده و محاکمه تناظری را مقرر داشته است اما بنا به دلایلی متهم عملاً از فرصت و امکان دفاع محروم بوده و در نتیجه اصل تناظر رعایت نمی‌گردد. در اغلب موارد آن گونه است که متهم یا وکیل او با حضور در جلسه رسیدگی و یا تقدیم لایحه دفاعیه ادله جمع‌آوری‌شده را به چالش می‌کشند و آنچه را که لازم می‌دانند در دفاع از متهم اظهار می‌نمایند. اما همواره چنین نیست و این احتمال نیز وجود دارد که متهم به دلیل عدم اطلاع از زمان محاکمه به علت عدم ابلاغ واقعی احضاریه و یا غللی دیگر در جلسه محاکمه حاضر نشده و لایحه دفاعیه نیز تقدیم ننماید. در چنین وضعیتی دادگاه به موجب ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چنانچه جرم ارتكابی از جمله جرایم صرفاً حق‌اللهی (مثل شرب خمر و سبّ نبی) نباشد، می‌تواند نسبت به مسأله مطروحه رسیدگی نموده و حکم محکومیت علیه متهم صادر نماید. بنابراین رعایت اصل تناظر در محاکمه غیابی عملاً ممکن نمی‌باشد. اما در این جا نیز قانون‌گذار در هر حال به محکوم‌علیه غایب حق داده است به حکم غیابی اعتراض نماید و ادله و اظهارات خود را درباره ادله جمع‌آوری‌شده در مرحله تحقیقات مقدماتی در معرض قضاوت دادگاه قرار دهد. بدین ترتیب رعایت بعدی اصل تناظر امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا بر اساس ماده ۴۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پس از واخواهی، دادگاه مکلف به تعیین وقت محاکمه و دعوت طرفین و بررسی ادله و دفاعیات محکوم‌علیه غایب می‌باشد تا براساس قاعده کلی و عقلی «الغائب علی حجت» اصل تناظر با استماع اظهارات او برقرار و رعایت گردد.

از همین رهگذر است که به موجب ماده مذکور «چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است...». حق واخواهی محکوم‌علیه غایب نسبت به حکم غیابی صرف نظر از میزان

۱. درباره چگونگی تأثیر اظهارات اطفال، مراجعه شود به: آخوندی، محمود، داستان یک زندگی: نیم قرن در دادگستری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۹، صص. ۳۲۲ - ۳۱۷.

مجازات پیش‌بینی شده است. واخواهی حتی در صورتی که رأی ابلاغ واقعی هم نشده باشد، در هر زمان که محکوم‌علیه غایب از مفاد رأی مطلع گردد، به موجب تبصره ۲ ماده ۴۰۶ قانون مذکور قابل طرح است. محاکمه غیابی متهم و اعطای حق واخواهی به محکوم‌علیه غایب شیوه معقول به منظور جمع بین حق عمومی جامعه در برقراری نظم و امنیت و حق شخصی متهم در استماع اظهارات و بررسی ادله او می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اصل تناظر در فرایند کیفری بر خلاف تناظر در دادرسی حقوقی صرفاً شامل استماع اظهارات و بررسی ادله اطراف دعوی و مناقشه (ترافع) درباره آن در جلسه رسمی محاکمه در دادگاه نزد دادرسی که قرار است نسبت به امر مطروحه اتخاذ تصمیم نماید، نمی‌باشد. تناظر کیفری به دلیل وجود مراحل و مراجع مختلف در یک فرایند کیفری مقتضی رعایت همیشگی استماع اطراف دعوی عمومی به ویژه متهم و خصوصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی است که مستلزم اتخاذ تصمیمات متعدد و مختلف اعدادی و تمهیدی از جمله صدور دستور جلب (ماده ۱۷۹)، قرار تأمین کیفری (ماده ۲۱۷)، قرار نظارت قضایی (ماده ۲۴۷)، قرار تأمین خواسته (ماده ۱۰۷)، قرار عدم دسترسی به پرونده (ماده ۱۹۱) و قرار معاینه و تحقیق محلی (ماده ۱۲۳) می‌باشد، که علی‌الاصول همگی باید مبتنی بر تناظر کیفری صورت گیرند که مقتضی اعمال این اصل بنیادین همانا اتخاذ هر گونه تصمیمات مربوط به دعوی کیفری پس از استماع طرفین و به چالش کشیدن دلایل اطراف دعوی عمومی است. بنابراین اگر تناظر کیفری مقدمه اتخاذ تصمیم در چنین اموری نباشد در نتیجه اصل تناظر کیفری نیز مخدوش شده و به طور کامل رعایت نمی‌گردد.

بدین ترتیب تناظر کیفری نه فقط شامل رسیدگی ترافعی در زمان محاکمه در دادگاه، به عنوان محدوده اصل تناظر در رسیدگی‌های حقوقی و حتی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، می‌باشد بلکه لوازم دیگری که در نظام حقوقی نانوشته به طور معمول در فرایند دادرسی مرسوم می‌باشد؛ مانند سؤال از شاهد و به چالش کشیدن او و افشای مدارک و مستندات که در تمامی لحظات جریان دعوی عمومی به عنوان جزء لاینفک اصل تناظر در یک فرایند کیفری به حساب می‌آید که نتیجه آن تصمیم‌گیری درباره امور مطروحه در دعوای کیفری صرفاً بر اساس مرافعه و به چالش کشیدن اظهارات، ادعاها و مستندات طرف مقابل در دعوی عمومی می‌باشد؛ چه آنکه صرفاً در چنین حالتی است که می‌توان رعایت تناظر کیفری را به صورت کامل به نظاره نشست. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز هر چند تصریحی به اصل تناظر کیفری صورت نگرفته، اما این اصل از لوازم یک رسیدگی عادلانه کیفری است. زیرا تنها در صورت اعمال اصل تناظر است که می‌توان به استماع اظهارات و بررسی و مناقشه دلایل ارائه‌شده به‌ویژه علیه متهم، امید داشت. به گونه‌ای که اتخاذ هر تصمیمی توسط مقام قضایی مبتنی بر اطلاع یافتن از اظهارات هر دو طرف دعوی کیفری باشد و نه صرفاً با آگاهی یافتن از دلایل و اظهارات طرفی که خواستار صدور تصمیمی است. هر چند اصل

بر رعایت کامل تناظر کیفری در سرتاسر فرایند کیفری است با این حال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و خصوصاً در مرحله قبل از محاکمه متهم در دادگاه بر عموم این اصل نیز استثنائاتی وارد آمده است که اعمال آن را تا حدی تعدیل نموده است و در نتیجه تصمیماتی در فرایند کیفری بدون تقابل طرفین دعوی عمومی به ویژه علیه متهم اتخاذ می‌گردد که می‌تواند بیش از پیش حقوق و آزادی‌های متزلزل متهم را در معرض خطر قرار دهد.

منابع

- آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
- آخوندی، محمود، داستان یک زندگی: نیم قرن در دادگستری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۹.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- الیوت، کاترین؛ ورنون، کاترین، نظام حقوقی فرانسه، ترجمه صفر بیگزاده، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
- بیگزاده، ابراهیم، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۴.
- تدین، عباس (مترجم)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
- حیدری، سیروس، «اصل تناظر در حقوق فرانسه و کامن‌لا»، مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، جلد چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ریاضی، علی‌اکبر، «سئوال از شاهد طرف مقابل»، مجله کانون وکلا، شماره‌های ۱۵۰ و ۱۵۱، بهار و تابستان ۱۳۶۹.
- زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۳.
- _____، بطلان در آیین دادرسی کیفری، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
- _____، «اصل تناظر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۳۵ و ۳۶، بهار تا زمستان ۱۳۸۱.
- شهزادی، رستم (مترجم و گردآورنده)، قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان: گفتاری درباره کتاب ماتیکان هزار داتستان، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۸۶.
- صانعی، پرویز، «ترجمه مقدمه ماتیکان هزار دادستان»، مجله حقوق مردم، شماره ۲۶، ۱۳۵۰.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، جلد ششم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- قلی‌پور، حسن؛ احمدی، سیدمهدی؛ جعفری مته‌کلاتی، محمدحسن، «بررسی اصل تعادل توافقی (تناظر) در دادرسی قضایی و داوری تجاری بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۳.
- کریمی، عباس؛ رحیمی‌پور، ایمان، «قواعد حاکم بر استجواب کیفری»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
- گلدوزیان، ایرج، «حق دفاع در مراجع قضایی»، مجله دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳، ۱۳۷۱.
- متین‌دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- محسنی، حسن، اصول حاکم بر دادرسی عادلانه در دعاوی مدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- _____، «نظام‌های دادرسی مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (۳) بخش قضایی، تهران، انتشارات علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- محمود، سیداحمد، اصول التقاضی وفقاً لقانون المرافعات، قاهره، دار ابوالمجد للطباعة بالهرم، ۲۰۰۵.
- Ambos, Kai, "International Criminal Procedure: Adversarial, Inquisitorial or Mixed?", *International Criminal Law Review*, vol. 3, 2003.
- Bacigal, Ronald J., *Criminal Law and Procedure: an Overview*, 3rd Edition, Delmar Cengage Learning, 2009.
- Cryer, Robert; Friman, Hakan; Robinson, Darry; Wilmschurst, Elizabeth, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, 2007.

-
- Ellis Wild, Dudan, Webster's new World Law Dictionary, Wily Publishing Inc, 2008.
 - Frase, Richards, "Sentencing and Comparative Law Theory", in: Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context, Essays in Honor of Professor Mirjan Damaška, edited by John Jackson, Máximo Langer and Peter Tillers, Oregon, Hart Publishing, 2008.
 - Hungerford-Welch, Peter, Criminal Litigation and Sentencing, Sixth Edition, Cavendish Publishing Limited, London, 2004.
 - Jackson, John, "Transnational Faces of Justice: Two Attempts to Build Common Standards Beyond National Boundaries", in: Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context, Essays in Honor of Professor Mirjan Damaška, edited by John Jackson, Máximo Langer and Peter Tillers, Oregon, Hart Publishing, 2008.
 - Krapac, Davor, "Some Trends in Continental Criminal Procedure in Transition Countries of South-Eastern Europe", in: Crime, Procedure and Evidence in a Comparative and International Context, Essays in Honor of Professor Mirjan Damaška, edited by John Jackson, Máximo Langer and Peter Tillers, Oregon, Hart Publishing, 2008.
 - Kubicek, Theodore, Adversarial Justice: Americas Courts System on Trial, Alogora Publishing, New York, 2006.
 - Landsman, Stephan, Reading on Adversarial Justice: the American Approach to Adjudication, West Publishing Company, 1988.
 - Nowak, Manfred, UN Covenant on Civil and Political Rights CCPR Commentary, Second Revised, N.P. Engel Publisher, 2005.
 - Safferling, Christophe, Towards an International Criminal Procedure, Oxford University Press, 2001.
 - Samaha, Joel, Criminal Procedure, 8th Edition, Belmont, Wadsworth, Cengage Learning, 2012.
 - Zander, Michael, Cases and Material on English Legal System, 10th Edition, Cambridge University Press, 2007.